



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

دسترسی به سلاح گرم مجاز از منظر جرم‌شناسی با تأکید بر واگذاری سلاح مجاز در استان ایلام

مجتبی عباسی^۱، مجید شایگان فرد^۲، حسین تاجی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۲. دکتری حقوق، استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۳. دکتری حقوق، استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: دسترسی به سلاح گرم چنانچه بصورت کارشناسی شده و رعایت تمام جوانب نباشد همان میزان که آثار مثبت به همراه دارد، ممکن است چندین برابر آن پیامدهای منفی به همراه داشته باشد در این خصوص به نظر محقق باید خیلی از فاکتورها برای دسترسی به سلاح گرم نه تنها در استان ایلام بلکه به طور کلی در مورد شخص متقاضی در نظر گرفته شود. هدفی که ما در این تحقیق دنبال می‌کنیم کنترل و کارشناسی واگذاری سلاح گرم از سوی نهادهای ذیصلاح و به تبع آن کاهش قتل و دیگر جرایم به وسیله سلاح گرم می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مقاله توصیفی تحلیلی، و با بهره‌گیری از روش اسنادی و استفاده از ابزار فیش‌برداری تهیه و تدوین گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از این است که؛ دسترسی به سلاح گرم در استان ایلام دارای پیامدهای مثبت و منفی می‌باشد و در صورت جرم‌انگاری حمل سلاح گرم مجوزدار پیامدهای زیان‌بار جرم‌انگاری آن به همراه دارد که از جمله آن می‌توان به: ۱- محرومیت از حق دسترسی به سلاح، ۲- افزایش جمعیت کیفری، ۳- تورم کیفری اشاره نمود اما در کنار این پیامدهای منفی، پیامدهای مثبتی نیز وجود دارد که از جمله آن می‌توان به: ۱- کاهش آمار جرم و قتل، ۲- احساس امنیت در جامعه، اشاره نمود. لذا چنانچه واگذاری سلاح بصورت ضابطه‌مند و کارشناسی شده در اختیار اشخاص گذاشته شود تبعات منفی آن حذف می‌گردد.

ملاحظات اخلاقی: این مقاله، از ابتدا تا انتها با پایبندی به اصول صداقت و امانت‌داری تهیه و تدوین گردیده است.

نتیجه‌گیری: هرچند برای دسترسی به سلاح گرم و جرم‌انگاری حمل سلاح گرم مجاز، پیامدهای مثبت و منفی در نظر گرفته شده است، اما با وجود پیامدهای مثبت آن به این نمی‌ارزد که با توزیع و خرید و فروش بدون ضابطه سلاح گرم، و اعطای مجوز حمل سلاح به افراد فاقد صلاحیت، زمینه ارتکاب جرایم مرتبط با سلاح گرم تسهیل و امنیت مالی و جانی افراد جامعه با خطر مواجه گردد. بنابراین چنانچه اعطای مجوز سلاح با ضابطه و رعایت فاکتورهای جهانی نباشد تبعات خطرناکی را برای سلامت جسمی و روحی جامعه خاصه در استان ایلام بدنبال خواهد داشت.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

واژگان کلیدی:

سلاح گرم

ایلام

سلاح مجاز

جرم‌شناختی

* نویسنده مسؤول:

مجید شایگان فرد

آدرس پستی: ایران، مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

کد پستی: ۹۱۸۷۱-۴۷۵۷۸

تلفن: ۵۱-۳۶۶۳۰۷۸۱

پست الکترونیک:

dr.majidshayanfard@gmail.com

۱. مقدمه

با توجه به اینکه فرهنگ داشتن سلاح گرم از قدیم‌الایام در بین عامه مردم استان مرسوم است و به نوعی نشانه اقتدار و جایگاه دارنده اسلحه در بین دوستان و آشنایان بوده که در بین اقوام ایلامی پیشینه‌ای به قدمت تاریخ دارد. در اشعار شاعران کُرد وقتی مدح شخصی مدنظر قرار می‌گرفت در اشعار خود ضمن تشریح اوصاف بارز وی به سلاح یا سلاح‌های او اشاره می‌شد ضمناً با توجه به بافت قومی - قبیله‌ای استان ایلام داشتن سلاح نشان از اقتدار یک ایل یا طایفه در مقابل دیگر طوایف داشته است. علت دیگر خرید، فروش و نگهداری سلاح و مهمات، باب بودن استفاده از اسلحه در مراسمات عزا و شادی، جهت ابراز علاقه و احساسات بوده و از طرفی از دیرباز شغل اکثر مردم استان (البته شهرستان‌ها و روستاهای استان) مورد مطالعه، دامپروری بوده و داشتن سلاح و مهمات برای حفاظت از احشام در برابر حیوانات وحشی و سارقان مسلح و همچنین مرزی بودن استان با کشور عراق بخصوص دوران جنگ تحمیلی دسترس به اسلحه را ضروری و آسان نموده است. آمارهای غیررسمی موجود در مراکز پلیس و پزشکی قانونی استان ایلام بیان‌گر این واقعیت است که استفاده از سلاح گرم در ارتکاب جرائم خشن بخصوص قتل در استان ایلام روند رو به رشدی داشته است، ما در این پژوهش، جرم‌شناختی دسترسی به سلاح گرم مجاز در استان ایلام را مورد تحلیل قرار می‌دهیم به امید اینکه خروجی این مقاله تأثیری در کاهش آمار قتل در استان ایلام داشته باشد.

در دستگاه قضایی وقتی آمار قتل و جرایم ناشی از سلاح در استان ایلام را بررسی می‌کنیم سلاح گرم بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است که می‌طلبد این دستگاه نیز در این زمینه برخورد شدیدتری به نسبت موقعیت مکانی استان داشته باشد فرضا وقتی درگیری، تهدید و غیره با سلاح انجام شد کلیه سلاح‌های مذکور به نفع دولت ضبط و مجازات‌های سنگین تعیین و مرتکبین از شمول تخفیفات قانونی خارج شوند. تا از وقوع جرایم درآینده پیشگیری شود.

با وجود شرایط فوق نقدی که بر سیاست جنایی وارد است این که چرا با وجود میزان قتل در استان ایلام خرید و فروش و

واگذاری سلاح مجاز و غیرمجاز همچنان مانند خریدهای روزانه در این استان صورت می‌گیرد و در این زمینه اقدامی توأم با مطالعه آثار مخرب آن بر جامعه و سلامت روحی شهروندان صورت نمی‌گیرد؟

چرا دستگاه‌های مختلف که در بالا مورد اشاره واقع شدند متفاوت عمل می‌نمایند؟

چرا شاخص احراز صلاحیت برای خرید اسلحه را منوط به داشتن کارت شناسایی، عدم سوءپیشینه و دفترچه دامداری نموده و کوچکترین تحقیق در زمینه سلامت روحی و روانی متقاضی صورت نمی‌پذیرد؟ چرا بعد از اعطای مجوز حمل سلاح هر پنج سال یکبار صرفاً نسبت به تمدید جواز اسلحه پرداخته می‌شود و سلامت شخص ارزیابی نمی‌شود؟ چرا نسبت به جمع‌آوری سلاح‌های مجاز که در دست اشخاص فاقد صلاحیت هستند اقدامی نمی‌شود؟ طبق آمار کشوری استان ایلام که بالاترین میزان خودکشی را به نسبت جمعیت به خود اختصاص داده و این امر نشانگر خلل روانی در بین افراد جامعه استانی است که به وضوح منشاء آن اثرات مخرب هشت سال جنگ تحمیلی و تبعات بعدی آن، بیکاری، تورم، عدم توسعه زیرساخت‌ها و... می‌باشد، نمی‌بایست مسئولین امر با مطالعه دقیق و کارشناسی موضوع واگذاری سلاح در استان ایلام را مورد بررسی قرار دهند؟ پر واضح است شخصی که سابقه کیفری نداشته اما از سلامت روانی کامل بهره‌مند نیست نمی‌تواند دارای اسلحه باشد و مهم‌تر اینکه اگر احدی از اعضای خانواده فرد درگیر مشکل روانی باشد نباید حق نگهداری اسلحه داده شود. متأسفانه در استان از سوی نهادهای متولی به راحتی به اشخاص فاقد شرایط لازم و جامع سلاح واگذار می‌گردد که چنین معضلاتی را به بار آورده است.

۲. ملاحظات اخلاقی

این مقاله با تکیه بر اصل صداقت و امانت‌داری تهیه و تدوین گردیده است.

۳. مواد و روش‌ها

این مقاله توصیفی، تحلیلی و با بهره‌گیری از روش اسنادی و استفاده از ابزار فیش‌برداری تهیه و تدوین گردیده است. در واقع کتبی که بعنوان مرجع مورد مطالعه واقع شده از قسمت‌های لازم فیش تهیه و به این روش اقدام به نگارش و تدوین مقاله گردیده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌هایی که در این تحقیق ملموس است واگذاری بی‌رویه سلاح در استان ایلام معضلات زیادی از جمله گسترش استفاده ناثواب از این آلت قتاله را بین اشخاص فاقد صلاحیت ترویج نموده است. چنانچه یکی از اعضای خانواده‌ای اسلحه‌ای دارد همه اعضای خانواده از آن استفاده و در دسترس همگی قرار دارد. با توجه به مشکلاتی که استان ایلام با آن مواجه است لازم است متولیان اسلحه و مهمات در شرایط احراز صلاحیت تجدیدنظر و آموزش‌های لازم را در راستای نحوه حمل و نگهداری اعمال نمایند. اسلحه وسیله‌ی سرگرمی نوجوانان و جوانان شده و با عنایت به آستانه پایین مردم، متأسفانه قتل‌های زیادی به همین وسیله به وقوع می‌پیوندد که ضروری است در این زمینه تجدیدنظر جدی صورت بپذیرد. و اگر همین رویه ادامه داشته باشد باید منتظر عواقب شدیدتری نیز باشیم.

۵. بحث**۵-۱. پیشینه تحقیق**

۱- وروایی، اکبر و کوهزادیان، قاسم (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان: تأثیر قاچاق سلاح و مهمات عبوری از مرزهای غربی بر وقوع جرایم مسلحانه به این نتیجه رسیده‌اند که: ترویج قاچاق سلاح و مهمات در کشورها به ویژه در مناطق مرزی زمینه‌ساز افزایش جرایم مسلحانه بوده که این امر تأثیری عمده در اشاعه ناامنی و بحران‌های ناشی از آن (از قبیل سرقت‌های مسلحانه و راهزنی، آدم ربایی و گروگان‌گیری، قتل و شرارت‌های مسلحانه و استقلال طلبی و...) را خواهد داشت با توجه به اینکه یکی از جنبه‌های پیشرفت، گستره اطلاعات به منظور شناخت

تهدیدات، پیشگیری از جرم و استقرار نظم و امنیت خواهد بود.

۲- ممنون، مریم (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان: یادداشتی بر صلاحیت مرجع رسیدگی به جرایم خرید و فروش، حمل و نگهداری اسلحه و مهمات غیرمجاز به این نتیجه رسیده است که: در این مقاله پروسه دادرسی یک پرونده را در دادگاه کیفری ۲ زاهدان به عنوان مرجع صالح به رسیدگی جرم قاچاق اسلحه و مهمات طرح شده است که دادگاه کیفری ۲ دادگاه انقلاب را صالح به رسیدگی می‌داند که در نهایت با حدوث اختلاف پرونده را به دیوانعالی کشور می‌فرستند که دیوانعالی قرار صادره از دادگاه انقلاب را مبنی بر صلاحیت دادگاه عمومی جزای ۲ زاهدان را در رسیدگی به بزه حمل و نگهداری سلاح صالح تشخیص می‌دهد.

۳- کیان طهماسبی فرد در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان: سیاست جنایی ایران در قبال سلاح غیرمجاز به این موضوع پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که: سلاح در دنیای بزهکاری نقش مهمی را ایفا می‌کند این اهمیت از دو جهت است از یک طرف با قاچاق سلاح و مهمات روبه‌رو هستیم و از طرف دیگر، ابزار اکثر بزهکاران برای ارتکاب جرائم مختلف سلاح است قاچاق سلاح و مهمات عموماً به صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابد و علاوه بر صدمات جبران‌ناپذیری که قاچاق بر اقتصاد کشور وارد می‌کند، باعث ایجاد فساد در دستگاه‌های مختلف دولتی می‌شود، همچنین استفاده از سلاح در جرائم مختلف که عموماً خشونت‌آمیز بوده و نظم جامعه را مختل کرده است و باعث گسترش احساس عدم امنیت در بین شهروندان شده است، افزایش پیدا کرده است. دو وجهی بودن جرائم مرتبط با سلاح و صدماتی که بر امنیت عمومی جامعه وارد می‌آورد، هر حکومتی را به چاره اندیشی وای می‌دارد حاکمیت ایران چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب توجه ویژه به این موضوع داشته‌اند روش‌هایی که حاکمیت جهت مبارزه با این جرائم در نظر گرفته با توجه به ماهیت سیاسی، امنیتی و اقتصادی آن نوعاً واکنشی سرکوب‌گرانه علیه این جرائم بوده است ولی تجربیات جهانی در زمینه مبارزه با بزهکاری نشان می‌دهد که اقدامات قهرآمیز

۴-۵. محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌هایی که در این تحقیق با آن روبه رو بودیم عدم دسترسی به منابع دسته اول و داده‌های آماری بدلیل محرمانه بودن اعم از تعداد اسلحه های مجاز و ایضا تعداد قتل‌های رخ داده طی چند سال اخیر که آلت قتاله در آنها سلاح گرم بوده است.

۵-۵. بحث

۵-۵-۱. تعاریف و مفاهیم

۵-۵-۱-۱. سلاح از منظر حقوقی

در اصطلاح حقوق جزا سلاح عبارت است از: (آلات و ادوات و ماشین‌آلات برنده یا له‌کننده و یا سوراخ‌کننده مانند: چماق، چاقو، تفنگ، مته، بمب و امثال آن (۱)). سلاح بر دو قسم است:

الف) سلاح بالطبع مانند تفنگ و شمشیر و غیره که هدف اولی از ساختمان آنها این است که در نظر عرف اسلحه بکار می‌رود. ب) سلاح بالقصد مانند تیغ و ژیلت و چکش و یا تکه آهنی که انسان آن را در مواردی به طور استثناء به جای سلاح معمولی و متعارف به کار می‌برد (۱).

۵-۵-۱-۲. سیاست جنایی

اصطلاح سیاست جنایی از دو واژه «سیاست» و «جنایی» تشکیل شده است که واژه جنایی از ریشه جنی و به معنای گناه کردن، جرم و چیدن میوه از درخت آمده است (۲). اصطلاح سیاست جنایی در حقیقت برگردان واژه‌ی معادل فرانسوی آن است که «فوئر باخ» دانشمند آلمانی قرن نوزدهم از زمره‌ی اولین اندیشمندانی است که آن را به کار برده است وی سیاست جنایی را: «مجموعه‌ی اقدامات سرکوب‌گر و کیفری می‌داند که دولت از طریق آن‌ها در مقابل جرم، واکنش نشان می‌دهد» (۳).

کیفری به تنهایی ظرفیت کنترل بزهکاری و در نهایت کاهش آن را ندارند و ضرورت اقدامات پیشگیرانه به خوبی آشکار شده است.

۵-۲. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

با عنایت به پیشینه‌ای که ذکر گردید در تحقیقات انجام گرفته وقوع جرائم (خاصه قتل) در استان ایلام با استفاده از سلاح‌های گرم شکاری و بعضا مجاز رو به افزایش بوده و تاکنون تحقیق علمی و مدونی در این خصوص در استان ایلام صورت نپذیرفته است. بنابراین این تحقیق در نوع خود بدیع و نو می‌باشد و یافته‌های حاصل از تحقیق نیز جدید و دارای نوآوری می‌باشند.

۵-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

با عنایت به اینکه موضوع مقاله ما: دسترسی به سلاح گرم مجاز از منظر جرم‌شناسی با تأکید بر واگذاری سلاح مجاز در استان ایلام می‌باشد موضوع مقاله از این جنبه دارای اهمیت بوده که علی‌رغم تشدید مجازات قانون قاچاق سلاح و مهمات در سال‌های اخیر، این موضوع تأثیری در کاهش آمار قتل با بهره‌گیری از سلاح گرم شکاری نداشته است. با نگاهی به آمارها مشاهده می‌شود که استفاده از سلاح گرم مجاز در ارتکاب جرایم در حال رشد بوده و هر سال نسبت به سال گذشته درصدی رشد داشته است، هرچند رشد جمعیت و تغییرات اجتماعی در روند این افزایش بی‌تأثیر نیست؛ اما افزایش نزاع‌های خیابانی، کاهش سطح تحمل مردم، بروز ناراحتی‌های روحی و روانی، خشونت، تعصبات قومی و قبیله‌ای، اعتیاد به مواد مخدر صنعتی و عدم تعلیمات لازم در زمینه حمل و نگهداری در رفتار مرتکبین اینگونه پرونده‌ها مشهود است بنابراین بیشترین اثر منفی را بر افزایش آمار قتل در استان ایلام داشته است بنابراین محقق با توجه به اینکه اهل و مقیم این استان می‌باشد درد آشنا بوده و ضرورت تحقیق در این مورد را بر خود واجب دانسته است که بتواند با خروجی که این مقاله دارد گامی در جهت کاهش آمار قتل در استان بردارد.

۵-۱-۳. سلاح گرم

سلاح گرم به سلاحی گفته می‌شود که قادر به شلیک مرمی بوده و از یک ماده منفجره به عنوان پیشران استفاده می‌کند (۴).

۵-۱-۴. قتل

واژه قتل عمد در فرهنگ لغت به معنای کشتن، کشتار بیان شده است (۵). در ترمینولوژی حقوق لطمه به حیات دیگری وارد ساختن، خواه به واسطه عمل مادی و فیزیکی باشد خواه به واسطه ترک فعل و داشتن قصد، معیار تفکیک قتل عمد از غیرعمد تعریف شده است (۱).

در خصوص قتل عمدی تعاریف متعددی در حقوق عرفی و حقوق اسلام از طرف صاحب‌نظران حقوقی مطرح شده است که به اختصار پیرامون آن مطالبی بیان می‌گردد. قانون‌گذار در قوانین قبل و بعد از انقلاب تعریفی از قتل عمدی ارائه ننموده است و فقط به مجازات آن اشاره و در ماده‌ی ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز تنها به ذکر مصادیق قتل عمدی اکتفا نموده است. اما در متون فقهی، فقهای عظام تعاریف مشابهی از قتل موجب قصاص ارائه کرده‌اند «هوازه‌اق النفس المعصومه المكافئه عمداً و عدوئاً» (۶).

۵-۱-۵. قاچاق

«قاچاق یعنی متاعی که معامله یا ورود آن به کشور ممنوع باشد و عملی است بر خلاف قانون که پنهانی انجام می‌شود به طور کلی هر نوع معامله یا مبادله‌ی کالا با پول یا کالای دیگر که محدودیت و یا ممنوعیتی به وسیله دولت برای آن ایجاد شده باشد قاچاق محسوب می‌شود و این موضوع بر می‌گردد به تجارت و مبادله‌ی کالا که قدمتی به قدمت تاریخ دارد» (۷).

۵-۱-۶. استان ایلام

استانی است با مساحتی حدود ۱۹۰۸۶ کیلومتر مربع، در غرب کشور، بین ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی نسبت به استوا و ۴۵ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۴۸

درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد این استان یک منطقه کوهستانی و مرتفع است که در غرب و جنوب‌غربی کشور در میان رشته کوه‌های کبیرکوه از سلسله جبال زاگرس قرار دارد از شمال به استان کرمانشاه، از جنوب به قسمتی از خوزستان و کشور عراق، از شرق به استان لرستان و از غرب به کشور عراق محدود است استان ایلام حدود ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد کوه‌های ایلام از جمله ناهمواری‌های سلسله جبال زاگرس است.

۵-۶. پیامدهای مثبت و منفی جرم‌انگاری حمل سلاح**گرم مجاز**

چنانچه از سوی مقنن در زمینه‌ی حمل سلاح گرم جرم‌انگاری صورت بپذیرد قطعاً تبعاتی را بدنبال خواهد داشت. که تعدادی از آنها زیانبار و پیامدهای هم بعضاً مثبت و سازنده دیده می‌شود که در ذیل به تشریح آنها خواهیم پرداخت.

۵-۶-۱. پیامدهای زیان‌بار جرم‌انگاری

برخی قانون‌گذاران کیفری بر اساس دیدگاهی قیّم مدارانه، خود را مجاز به دخالت در قلمروهایی رفتاری می‌نمایند که در آنها توجیه اصلی برای ممنوعیت رفتارها، جلوگیری از صدمهٔ فرد به خود می‌باشد. این دخالت منجر به جرم‌انگاری رفتارهایی می‌شود که به نظر می‌رسد در چهارچوب «انحرافات اجتماعی» جای می‌گیرند. جرم‌انگاری حمل سلاح قطعاً پیامدهای زیان‌باری را بدنبال خواهد داشت که از جمله آن می‌توان موارد ذیل را نام برد.

۵-۶-۱-۱. محرومیت از حق دسترسی به سلاح

با جرم‌انگاری حمل سلاح شهروندانی را که واقعا در تأمین امنیت خانواده خود مانند عشایر کوچ رو و امثالهم، به سلاح گرم احتیاج دارند محروم می‌شوند.

۵-۶-۱-۲. افزایش جمعیت کیفری

کشور ما با وجود قوانین بی‌شمار با تورم قوانین کیفری و بیشترین تعداد زندانی مواجهه می‌باشد و در صورت جرم‌انگاری حمل سلاح مجاز قطعاً با افزایش جمعیت کیفری مواجهه خواهیم شد. جمهوری اسلامی ایران از حیث شمار جمعیت کیفری، هشتمین و از حیث تعداد بازداشت‌های پیش از محاکمه نهمین کشور جهان است. افزایش نرخ زندان از ۱۷۲ نفر در سال ۱۳۷۲ به ۲۸۷ نفر در سال ۱۳۹۳ و همچنین افزایش نرخ بازداشت پیش از محاکمه از ۳۹ به ۷۲ نفر در مدت یاد شده، به تنهایی نشانگر این است که ایران دچار افزایش جمعیت کیفری است. رشد فزاینده شمار و نرخ بازداشت‌های پیش از محاکمه یکی از عوامل اصلی افزایش جمعیت کیفری و متعاقب آن ازدحام بیش از حد در زندان‌ها در ایران است. افزایش نرخ بازداشت‌های پیش از دادرسی نیز به نوبه خود ناشی از عوامل متعدد تقنینی و قضایی است. گسترش مداخله حقوق کیفری ماهوی - از طریق جرم‌انگاری حداکثری و حبس‌گرایی افراطی، سبب تورم کیفری شده است (۸).

۵-۶-۱-۳. تورم کیفری

بدیهی است در شرایط تورم قوانین کیفری جرم‌انگاری افراطی فزونی تعداد متهمان، تعداد قرارهای کیفری را افزایش خواهد داد. و از طرف دیگر حبس زدایی حداکثری، به لحاظ ضرورت تناسب قرارهای تأمین با نوع و مجازات را به همراه خواهد داشت و بدین صورت تورم کیفری را به همراه خواهد شد. اگرچه وجود قانون کیفری برای جامعه یک ضرورت است، لیکن نمی‌توان توالی فاسد ناشی از تصویب و اجرای آن را نادیده انگاشت، زیرا قانون کیفری، با وجود تمامی مزایا، محدودکننده آزادی افراد و افزایش‌دهنده قدرت بوده که نتیجه آن آسیب‌پذیری توده مردم در برابر حاکمیت است انسان به حکم فطرت، خواستار آزادی و رهایی از محدودیت است، ولی لازمه حیات یک نظام اجتماعی آن است که با اقلیت مردم همسو نبوده و با حقوق طبیعی و فطری انسان هماهنگ نباشند، همین امر موجب ایجاد تعارض بین مردم و

دولت خواهند شد. برای حل این تعارض، وضع قوانین کیفری و استفاده از ضمانت اجرای آن باید به کمترین حد ممکن، کاهش یابد؛ هرچند امروزه قانون‌گذار ایرانی بدون توجه به پیامدهای تصویب و اجرای قانون کیفری، به طور مستمر بر حجم مجموعه قوانین کیفری می‌افزاید (۹).

۵-۶-۲. پیامدهای مثبت جرم‌انگاری

در کنار آثار منفی و زیانباری که جرم‌انگاری سلاح گرم مجاز به همراه داشت اما این امر پیامدهای مثبتی را بدنبال دارد که در ذیل به تشریح آنها خواهیم پرداخت.

۵-۶-۲-۱. کاهش آمار جرم

از آنجایی که بیشترین آمار جرمی در استان اتفاق می‌افتد بر اساس دسترسی ساده و آسان به سلاح گرم می‌باشد در صورتی که جرم‌انگاری در این خصوص صورت بگیرد بی‌شک در کاهش آمار جرائم مرتبط موثر خواهد بود.

۵-۶-۲-۲. احساس امنیت در جامعه

وقتی که در جامعه‌ای هنجارهای آن جامعه رعایت گردد. بنابراین امنیت خاطر بیشتری شهروندان را در برمی‌گیرد. وقتی در شهر آزادانه هرکسی مجاز باشد اسلحه خود را در دست بگیرد امنیت اجتماع با خطر مواجهه می‌گردد.

۵-۷. پیشینه‌ی سلاح**۵-۷-۱. پیشینه سلاح گرم در ایران**

درباره تاریخ ورود تفنگ به ایران اختلاف نظر وجود دارد؛ به نوشته سیوری ونیزی‌ها بودند که سلاح گرم را به ایران معرفی کردند و در زمان آق‌قویونلوها، در ۸۷۷ شماری توپ و تفنگ به ایران فرستادند که در قبرس مورد دستبرد قرار گرفت در بعضی کتب بر استفاده از تفنگ و توپ در دوره قراقوینلو و در جنگ‌های دوره قرايوسف (۸۲۳-۷۹۲) تصریح کرده است، تاریخ ورود تفنگ به ایران به زمانی دورتر می‌رسد (۱۰). در سال ۹۱۳ از تفنگ فتیله‌ای نوع عجمی استفاده می‌کردند. این نوع تفنگ ساخت ایران بود و لوله آن به طرز خاصی به

متفقین به ایران، از اسلحه کارخانه‌های ارتش ایران استفاده شد (۱۲).

عبارت «حق مردم برای نگهداری و حمل سلاح» اول بار در متن قانون حقوق ایالات متحده آمده. خارج از ایالات متحده آمریکا، مفهوم کلی حق حمل سلاح بسته به کشور، ایالت یا قانون فرق دارد.

متمم دوم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا حق نگهداری و حمل اسلحه را به رسمیت شناخته است. بر طبق این سند، داشتن یک نیروی منظم شبه نظامی مردمی، برای امنیت یک کشور آزاد ضروری می‌باشد، و حق مردم برای حمل و نگهداری اسلحه، محترم شمرده می‌شود.

این متمم، مورد مناقشه فراوان بین مدافعین و مخالفین حقوق اسلحه بوده است. مخالفین استدلال می‌کنند یک «نیروی منظم شبه نظامی» اجازه مقررات‌گذاری در خصوص مهمات را می‌دهد و مدافعین تأکیدشان روی عبارت دوم است.

۵-۷-۲. حق دسترسی به سلاح در سوئیس

سوئیس در خصوص سلاح از سایر کشورهای اروپایی متفاوت است. سوئیس دارای خدمت سربازی اجباری عمومی است، که لازم می‌داند همه شهروندان مرد دارای سلامت بدنی در منزل خود سلاح گرم نگهداری کنند، تا در صورت احضار برای امور نظامی بتوانند از آن استفاده کرده، و از کشور دفاع کنند. البته نگهداری مهمات این سلاح‌ها ممنوع است، و مهمات در انبارهای دولتی نگهداری می‌شود. افراد ۲۰ تا ۳۴ سال تمرین اجباری استفاده از سلاح سالانه دارند. در سال ۲۰۱۱ رأی‌دهندگان با طرح ابتکاری شهروندان که بیان می‌کرد سلاح‌های گرم به جای نگهداری در خانه، در انبارهای نظامی نگهداری شوند، مخالفت کردند.

۵-۷-۳. در نظام کامن‌لا

پیشینه تاریخی حق بر داشتن سلاح در نظام کامن‌لا از دیدگاه‌های فلسفی آتن سرچشمه می‌گیرد. حقوقی مانند آزادی بیان، رفت و آمد، منع بازرسی‌های غیرقانونی و... تاریخچه اندکی در مقررات موضوعه دارند. اما حق داشتن

قنداق بسته می‌شد و بُردش زیاد بود. اما گفتنی است که ایرانیان، در دوم رجب ۹۲۰، در جنگ چالدران، از هیچ سلاح آتشی استفاده نکردند (۱۰).

بر پایه این شواهد، می‌توان حدس زد که تلاش جدی برای تجهیز قشون ایران به سلاح آتشین، در زمان شاه اسماعیل اول و احتمالاً حتی قبل از جنگ چالدران، آغاز شد و پس از گذشت یک دهه، در سال‌های نخست سلطنت شاه طهماسب اول (۹۸۴-۹۳۰)، آثار خود را نمایان ساخت. در اوایل سلطنت شاه طهماسب، توپچیان و تفنگچیان در قشون ایران دارای واحدهای مستقلی بودند؛ چنانکه یکی از عوامل پیروزی سپاه ایران بر ازبکان و اخراج آنان از هرات استفاده و مهارت زیاد در کاربرد سلاح‌های آتشین بوده است. همچنین در نوزدهمین سال سلطنت شاه عباس اول (۱۰۱۴)، در نبرد میان ایرانیان و عثمانیان در حوالی تبریز از رسته‌ای به نام تفنگچی در سپاه صفوی یاد شده است (۱۱).

از دوره قاجار کتابی به نام مشق سرباز در دست است که در آن به مشق تفنگ و پرکردن آن و شلیک با آن اشاره شده است. این کتاب را بهلر، سرتیپ فرانسوی، معلم هندسه و پیاده نظام، در ۱۲۷۹ تألیف و سپس شخصی به نام محمدکریم آن را ترجمه کرده و به خط خود نوشته است که به دسته‌بندی‌ها و جایگاه صاحب منصبان یک دسته نظامی، و آموزش سربازان اختصاص دارد. در آخر کتاب تصاویر سیاه قلم چاپ شده که حالات گوناگون مشق سربازان را با تفنگ نشان می‌دهد (۱۲). پس از به سلطنت رسیدن رضاخان (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش)، کارخانه‌های اسلحه‌سازی و مهمات‌سازی با نام «قورخانه» در ایران راه‌اندازی گردید. با این حال، در ۱۳۰۸ ش هیئتی به نام «تفتیش و خرید اسلحه» را به چکوسلواکی فرستادند. این هیئت در ۱۳۰۹ ش ۴۷ صندوق تفنگ برنو و ۴۸ صندوق‌ساز و برگ چرمی خریداری کرد و به ایران آورد. به دستور رضاشاه، طرح احداث کارخانه‌های تفنگ‌سازی سلطنت آباد ریخته شد و وسایل و لوازم آن را در ۱۳۱۲ ش از برلین به ایران آوردند. این کارخانه در ۱۳۱۳ ش با ساخت بیست تفنگ در روز شروع به کار کرد و از ۱۳۲۰ ش به بعد تولید آن به یکصد تفنگ در روز رسید، چنانکه در شهریور ۱۳۲۰ با ورود

وضعیت سیاسی آن روز بودند و داشتن سلاح فردی به عنوان یک حق و نه تهدید شمرده می‌شد. همین موضوع شکل‌گیری و توسعه نظام سیاسی در بریتانیا را به گونه چشمگیری دگرگون ساخت. از آنجا که قدرت نظامی برتر در دست شهروندان بود، رژیم سلطنتی سنتی اختیاراتی بسیار محدودتر از یک رژیم مطلقه پیدا می‌کرد. حتی پس از پیروزی نورمن‌ها در ۱۰۶۶م. که در پی آن نظام فئودالی وارد بریتانیا شد، پادشاهان همواره به کمک مردم متوسل می‌شدند. ویلیام روفوس دومین پادشاه نورمن در انگلستان به مردم متوسل شد تا فئودال‌های شورشی را سرکوب کند. وی برای به دست آوردن یاری شهروندان مسلح به آنان قول داد مقررات بهتری وضع کند، همه مالیات‌های وضع شده در دوره خود را لغو کند و مقررات خشنی که مجازات‌های وحشیانه داشت را منتفی کند؛ شهروندان با توجه به این قول‌ها سلاح خود را برداشتند و از دولت در برابر شورشیان فئودال دفاع کردند. پس از مرگ وی، برادرش هنری دوم نیز همین رویه را در پیش گرفت و همواره به مردم متوسل می‌شد. در پی این موضوع و به خاطر وجود حزب قدرتمندی از شهروندان مسلح، نظام پادشاهی در بریتانیا بسیار بیشتر از گذشته به سوی امور دموکراتیک پیش رفت (۱۶).

پادشاهان دیگر بریتانیا نیز این موضوع را گسترش دادند. هنری دوم، «فرمان سلاح‌ها» را در ۱۱۸۱م. صادر کرد این فرمان همه شهروندان انگلیسی پانزده تا چهل سال را ملزم می‌کرد تا سلاح بخرند و آن را با خود حمل کنند. انواع سلاح‌ها با توجه به وضعیت مالی افراد گوناگون بود؛ افراد مالدار باید خودشان را به طور کامل مسلح می‌کردند، شمشیر، خنجر و اسب جنگی در حالی که شهروندان فقیر یا عامه مردم باید مجهز به شلاق، کلاهخود و نیزه می‌شدند. سالی دو بار همه شهروندان از سوی افراد پادشاه بازرسی می‌شدند تا مطمئن شوند که آنها سلاح‌های ضروری را فراهم کرده‌اند (۱۶).

سلاح مدعی پیشینه‌ای بسیار طولانی است به گونه‌ای که برخی از اسناد آن بسیار قدیمی است. اگر در قلمرو کشورهای غربی به این پیشینه بنگریم، ریشه آن در فرهنگ قبیله‌های ژرمنی یافت می‌شود که در آن داشتن سلاح یک حق بود و وظیفه هر مرد آزادی داشتن سلاح بود. حتی شرط آزاد شدن یک برده از اسارت این بود که بتواند سلاحی از یک مرد آزاد فراهم کند. از آن پس او وضعیتی همسان یک شهروند مسلح را به دست می‌آورد. چنین فرهنگی از سوی ساکسون‌های نخستین وارد انگلستان شد. نخستین سند از شهروند مسلح در اسنادی یافت می‌شود که برای سال ۶۹۰ پس از میلاد است، اما دانشمندان بر این باورند که وظیفه خدمت به عنوان یک شهروند مسلح و داشتن سلاح شخصی بسیار قدیمی‌تر از آن چیزی است که اسناد نشان می‌دهد (۱۳).

شهروندان مسلح به گروهی از سربازان و افرادی غیرحرفه‌ای گفته می‌شد که در هنگام ضرورت و خطر فراخوانده می‌شدند. در واقع، هر زمان که نیاز به نیروی جنگی احساس می‌شد، ساکسون‌ها به همین نیروهای شبه نظامی تکیه می‌کردند. همه مردان توانمند ساکسون عضو این نیرو شمرده می‌شدند. آنها ملزم بودند هنگام جنگ سلاح خود را به همراه داشته باشند. پس از پایان جنگ و خطر این افراد به خانه‌های خود باز می‌گشتند. نورمن‌ها نیز همین شیوه را در پیش گرفتند. رویه‌ای که مانع شکل‌گیری نیروی مسلح دائمی بود (۱۴).

دیدگاه یاد شده درباره داشتن، حمل و نگهداری جنگ‌افزارهای شخصی و وظیفه جنگ و دفاع برای هر شهروند، بسیار متفاوت از نظام فئودالی است که بعدها در اروپا شکل گرفت پیش‌فرض نظام فئودال این بود که وظیفه اصلی جنگ و دفاع بر دوش طبقه کوچکی از افراد است که اصولاً آموزش دیده‌اند و به عنوان سوارکار جنگی شناخته می‌شوند. این دسته از افراد قدرت نظامی و سیاسی گسترده‌ای داشتند. بنابراین با توجه به رویکردی که در دوره شکل‌گیری فئودال‌ها ایجاد شد، رعیت‌های عادی و مسلح تهدیدی برای فضای سیاسی آن دوره به شمار می‌رفتند (۱۵).

اما در انگلستان وضعیت دیگری وجود داشت، نظامی شکل گرفت که بر اساس آن روستاییان مسلح پایه مهم و اساسی

۵-۷-۴. در نظام حقوقی آمریکا

رخدادهای اخیر، فلسفه سیاسی جدیدی را شکل داد که بستر انقلاب آمریکا را در یک قرن بعد فراهم کرد. گفتنی است که دو حزب سیاسی مهم بریتانیا اعتبار و جایگاه خود را از رهگذر مبارزه برای کنار گذاشتن جیمز دوم از تخت پادشاهی کسب کردند، فردی که برای خلع سلاح مردم تلاش می‌کرد. یکی از استدلال‌های مهم حزب «ویگ» برای مبارزه با پادشاه، نیاز به یک نیروی شبه نظامی بود به این معنا که انگلستان در دوره پادشاهان گذشته نیز به این رویه بوده است.

ایالات متحده آمریکا از درون امپراتوری بریتانیا سر بیرون آورد. نو واردان به سرزمین آمریکا نه تنها در دام حکومت پادشاهی بریتانیا نیفتادند جالب آنکه به دنبال یک نظام جمهوری با نهادها و سازمان‌های دمکراتیک بودند (۷).

چالش میان دولت و شهروندان برای تصاحب حق داشتن سلاح در جامعه آمریکا بسیار گسترده‌تر از آن چیزی بود که در بریتانیا گذشت. ساکنان مستعمره‌ها هنگام مهاجرت، فرهنگ و سلاحشان را به همراه خود آورده بودند. در ۱۶۲۲م. مردم مسلح به تفنگ و تعداد زیادی هفت تیر و مهمات بودند. ایالت ویرجینا در ۱۶۲۳م. فرمانی صادر کرد که هیچکس نباید تنها به خارج از ایالت برود مگر با افراد مسلح و مجهز و هر مزرعه‌ای باید به اندازه کافی مهمات و سلاح داشته باشد (۱۷).

در سال ۱۶۷۳م. نیز مقرر شد افراد ناتوان از خرید سلاح گرم از سوی دولت تجهیز می‌شوند ولی ملزم هستند هر وقت توانمند شدند مبلغ آن را پرداخت کنند مقررات مشابهی نیز در دیگر مستعمره‌ها تصویب شد. در اولین جلسه مجلس قانون‌گذاری مستعمره پلیموث، تصویب شد که ساکنان این مستعمره خود و افراد توانمند تحت ولایتشان را به تفنگ، تجهیزات و سلاح مجهز کنند. در مستعمره کانکتیکت در سال ۱۶۵۰م. مقررات مشابهی تصویب شد (۱۷).

مستعمره‌نشینان داشتن سلاح را حق خود می‌دانستند (۱۸). در پی انتخابات ۱۷۶۰م. و مسائل آن مستعمره‌ها در حال و هوای انقلاب قرار گرفتند و خود را برای نقش بازی در این وضعیت مجهز کردند. آزادی‌خواهی نقطه شروع تیرگی روابط آمریکا و بریتانیا شد. ساموئل آدامز، از پدران بنیانگذار، ساکنان

بوستون را تحریک کرد مانند یک مرد رفتار کنند و برای آزادی سلاح خود را بردارند. رهبران این دست جنبش‌ها اعلام کردند: «ما با پشتیبانی از سلاحمان از آزادی خود دفاع خواهیم کرد». به کارگیری نیروی مسلح بریتانیا بدون رضایت مجلس نقض آشکار اصول قانون اساسی بریتانیا بود (۱۸). دولت بریتانیا یگان‌های نظامی را در سال ۱۷۶۸م. به بوستون فرستاد تا مخالفت‌ها را کاهش دهد، اما حکومت‌های محلی با پشتیبانی شهروندان خود را مسلح کردند و برای دفاع آماده شدند. هنگامی که حزب توری بریتانیا اعلام کرد که این رفتار حکومت‌های محلی غیرقانونی است، روزنامه‌های مستعمرات نوشتند که حق مسلح شدن برای هر انگلیسی یک حق تضمین شده است. روزنامه نیویورک نوشت که این حق طبیعی مردم است که به منظور دفاع از خویش، خود را مسلح کنند آنگونه که در منشور حقوق آمده است (۱۶). سال‌ها پیش از آنکه چنین دیدگاه‌هایی شکل بگیرد، نشانه‌های هشدارآمیزی از انقلاب آشکار شده بود اما تنها اندکی از مقام‌های بریتانیایی به این نشانه‌ها توجه داشتند. در آن زمان، پیت وزیر حزب ویگ هشدار داده بود که سه میلیون عضو حزب ویگ دارای سلاح هستند. که بدنه بسیار خطرناکی شمرده می‌شود. بعدها در نتیجه چنین هشدارهایی در دسامبر ۱۷۷۴م صادر کردن سلاح و باروت به مستعمره‌ها ممنوع شد (۱۶).

۵-۸. حق بر داشتن سلاح از منظر نخستین فیلسوفان

حق داشتن سلاح یکی از قدیمی‌ترین حقوقی است که چالش فکری متفکرانی چون افلاطون و ارسطو بوده است. به باور برخی، این حق اساسی و بنیادین شهروندان یک جامعه است که برای دفاع از خود و نگهبانی از یک جامعه دمکراتیک مسلح باشند، اما برخی دیگر حق بر داشتن سلاح را مغایر یک نظام الیگارش می‌دانند (۱۹).

نگهداری، حمل و به کارگیری سلاح ریشه در وجود حقی به نام «حق داشتن سلاح» دارد. این حق توسط فیلسوفان مورد مطالعه قرار گرفته است که در ذیل به تفسیر و تشریح نظرات آنها پرداخته می‌شود.

مطرح می‌کند. او بر این باور است هنگامی که فردی به عنوان امانت‌گذار عقل و درک درستی ندارد، امین نباید سلاح امانی یا امانت را به وی بازگرداند؛ و اگر امین مال را در این وضعیت به امانت‌گذار برگرداند، نمی‌توان گفت که تعهدش را انجام داده است بنابراین بازپرداخت بدهی ضرورتاً عدالت شمرده نمی‌شود، زیرا که یک دوست همواره باید نسبت به یک دوست نیکی انجام دهد و نه شر. سقراط به طور ضمنی می‌پذیرد که تصرف سلاح از سوی اشخاص عاقل به لحاظ اخلاقی ممکن است. اما تعریف خود سقراط از عدالت به عنوان اجرای وظیفه درست نسبت به یک شخص هم پذیرفتنی نیست آن هم به این دلیل که در این تعریف به کارگیری یک جمعیت مسلح از سوی دولت مانع تحقق دموکراسی تساوی‌گرا می‌شود (۲۲).

ارسطو در کتاب «سیاست» از دولت استبدادی افلاطون انتقاد می‌کند. در برابر دسته‌بندی دقیق میان حاکمان، جنگجویان و کارگران، مفهوم حکمرانی ارسطویی در گفتگوی سقراط یک طبقه بزرگ را در برمی‌گیرد که در آن هر شهروندی در وظایف سه‌گانه قانون‌گذاری، حمل سلاح و کارکردن نقش بازی می‌کند. بر اساس دیدگاه ارسطو، چیزهای زیادی وجود دارد که سقراط آنها را رها کرده و وارد بحث درباره آن نشده است؛ آیا کشاورزان و صنعتگران سهمی در دولت ندارند؟ (۲۲). آیا آنها می‌توانند سلاح حمل کنند یا خیر؟ بر اساس ایده فلسفی کلی ارسطو درباره میانه‌روی، وی بر این باور است که تمام ساختار قانون اساسی بر این هدف مبتنی است که نه دموکراتیک باشد و نه حکومت اقلیت بلکه چیزی میان آن دو است. ارسطو همچنین به قانون اساسی مقرر در کتاب قوانین افلاطون می‌تازد، زیرا دربردارنده یک حکومت اقلیت است و یکی از ویژگی‌های برجسته آن خلع سلاح مردم است. او انحصارگرایی حمل سلاح به دست یک طبقه از جامعه را ویژگی قابل اعتراض «بهترین دولت» می‌داند، دولتی که از سوی هیپوداموس حمایت شده است هیپوداموس شهری با ده هزار نفر جمعیت طراحی کرد که به سه طبقه تقسیم می‌شدند؛ طبقه کارگران ماهر، طبقه کشاورزان و طبقه سوم که سلاح حمل می‌کنند و وظیفه دفاع را بر عهده دارند (۲۱).

حق شهروندان برای نگهداری و حمل سلاح ریشه عمیقی در تاریخ دارد. انقلاب آمریکا در ماساچوست و ویرجینا به این دلیل رقم خورد که بریتانیایی‌ها تلاش کردند افراد و نیروهای شبه نظامی ایالات مستعمره را خلع سلاح کنند. توماس جفرسون از بنیان‌گذاران قانون اساسی آمریکا در یکی از آثار خود نوشت که اعتبار و قدرت «اعلامیه استقلال» ریشه در هماهنگ‌سازی احساسات امروز درباره حقوق عمومی مردم دارد، خواه در گفتگوها آشکار شود یا در نامه‌ها و مقالات یا در کتاب‌های بسیار قدیمی افرادی چون ارسطو، سیسرو، لاک و سیدنی. تفکری که به نیروی مسلح دولتی می‌تازد و از به کارگیری شهروندان مسلح برای مقابله با استبداد حمایت می‌کند در «منشور حقوق» نیز بازتاب یافته است (۲۰).

از یک سو، ارسطو، سیسرو، جان لاک و الگنون سیدنی مبانی فلسفی حاکمیت مردم مسلح را مطرح کرده و از حق داشتن سلاح حمایت و درباره آن بحث کرده‌اند. و از سوی دیگر، افلاطون، جین بودین، توماس هابز و سر رابرت فیلمر در حمایت از استبداد سلطنتی بحث‌های طرح کرده و از خلع سلاح مردم سخن گفته‌اند. همچنین در میان آثاری نخستینی که درباره حقوق عمومی وجود دارد آثار نیکولو ماکیاولی و جیمز هرینگتون تحلیل‌هایی درباره جمهوری رم و راهبرد آزادی مردم دارد که در آن از شهروندان مسلح صحبت می‌کنند. مونتسکیو، برگ و آدام اسمیت نیز در حوزه نظریه‌پردازی حقوقی، موضوع شهروندان مسلح را مورد توجه قرار داده‌اند (۲۰).

ارسطو، سیسرو، ماکیاولی و حزب ویگ انگلیس با دستاویز حمایت‌ها و مبانی فلسفی، مردم را مسلح ساختند تا با ظلم و ستم مبارزه کنند، تلاشی که واژگان آن در اعلامیه استقلال و منشور حقوق بر جای خود نشست. در این معنا، حق مردم برای داشتن سلاح مبتنی بر آثار سیاسی و فلسفی بزرگترین متفکران دو هزار سال پیش است (۲۱).

افلاطون در کتاب «جمهور» بررسی جامعی از نتایج سیاسی و اجتماعی مالکیت فردی سلاح در برابر انحصار سلاح از سوی دولت انجام داده است. سقراط برای رد مفهوم عدالت مورد نظر افلاطون درباره اجرای تعهد و پرداخت بدهی، نمونه نقضی

ارسطو بر این باور است که انحصار حمل سلاح برای یک طبقه که وظیفه دفاع را بر عهده دارند منجر به ظلم و ستمگری از سوی این طبقه خواهد شد: کشاورزان سلاح ندارند، کارگران نه زمین دارند و نه سلاح؛ این وضعیت آنها را به خدمتکاران کسانی تبدیل می‌کند که مسلح‌اند. بنابراین داشتن سلاح شرط شهروندی و مشارکت در اداره جامعه است. از آنجا که همه شهروندان سلاح حمل می‌کنند، دارندگان سلاح تنها به کسانی که از کشور در برابر جنگ دفاع می‌کنند محدود نمی‌شود. ارسطو تنها پس از اشاره به طبقه‌ای که در زمان جنگ از کشور دفاع خواهند کرد بیان می‌کند که کاملاً طبیعی است که دیگر شهروندان سلاح داشته باشند (۲۱).

از آنجا که نیروی مسلح برای مشارکت در اداره حکومت ضروری است، شهروندان باید سلاح داشته باشند. در اداره حکومت هر شهروندی باید سلاح خودش را داشته باشد، سلاحی که خود یا دولت تهیه کرده است.

ارسطو در کتاب، قانون اساسی آتن شیوه‌ای را توصیف می‌کند که پلیستاتوس از طریق زور قدرت را بدست آورد. و از رهگذر خلع سلاح آتنی‌ها یک نظام دیکتاتوری تشکیل دادند. هر چند پلیستاتوس دوباره شکست خورد و به تبعید فرستاده شد اما سرباز مزدور اجاره کرد و دوباره به حکومت بازگشت. با پیروزی نبرد پالینس، او دولت را به دست گرفت و با به کارگیری حیل، مردم را خلع سلاح کرد و یک حکومت استبدادی تشکیل داد. پلیستاتوس برای بیش از دو دهه حاکم ماند و حکومت او به فرزندان هیپپاس و هیپارچس رسید. بعد از اینکه هیپارچس کشته شد، هیپپاس به شکنجه و اعدام متوسل شد (۲۳).

آتنی‌ها در این حکومت استبدادی خلع سلاح شدند و در نتیجه این وضعیت بود که برای شکل‌گیری دموکراسی دوباره مسلح شدند. ارسطو نیز با اشاره به حکومت‌های استبدادی که قدرت خود را از رهگذر خلع سلاح پایدار کرده بودند شیوه‌های مشابهی را تحلیل کرد که حاکمان آن از رهگذر فریب مردم را خلع سلاح کردند. در این حکومت‌های استبدادی تنها سه هزار شهروند که حامی استبداد بودند به عنوان شهروند شناخته می‌شدند. مخالفان که بیشتر مردم را شکل می‌دادند از

شهروندی محروم بودند. در شیوه حکومت‌داری آتنی‌ها در نظر و عمل، آنگونه که از سوی ارسطو و افلاطون توسعه یافت، مردم مسلح توانایی اداره حکومت و تشکیل دموکراسی مستقیم را دارند در حالی که مردم بی‌سلاح رکن ضروری یک حکومت استبدادی و مطلقه را تشکیل می‌دهند. افزون بر این، مفهوم استقلال فردی از نظر ارسطو از رهگذر سلاح شخصی در یک حکومت ممکن است در پرتو امور طبیعی نگاه شود، طبیعتی که انسان را مجبور می‌کند سلاح‌های دفاعی را نگهداری کند و توسعه دهد. این رویکرد طبیعی، بر اساس استدلال وی در کتاب «اجزاء حیوانات» از ساختمان بدنی انسان ریشه می‌گیرد: «اکنون گفتن این سخن اشتباه است، آن گونه که برخی بر این اشتباه پافشاری می‌کنند، که ساختار بدنی انسان مناسب نیست و از هر حیوان دیگری بدتر است. دلایل این گروه عبارتند از: اینکه انسان پابرنه است، بدون پوشش است و فاقد هر گونه سلاح فیزیکی است. در برابر این عده ما می‌گوییم که همه حیوانات دیگر تنها یک شیوه برای دفاع دارند و نمی‌توانند آن را به شیوه دیگری تغییر دهند: آنها مجبورند بخوابند و همه کارهایشان را همیشه با سم‌هایشان انجام دهند، آنها هرگز نمی‌توانند تجهیزات دفاعی خود را از بدن بیرون بیاورند یا سلاح خود را تغییر دهند. اما درباره انسان سلاح‌های زیادی در دسترس است و او می‌تواند در هر زمان آنها را تغییر دهد و انتخاب کند که کدام سلاح را در کجا داشته باشد. و طبیعت نیز به طور شگفت‌انگیزی شکل واقعی دست را به گونه‌ای تعبیه کرده است که برای همه این امور مناسب باشد (۲۴). از آنچه گفته شد می‌توان دریافت که دیدگاه فیلسوفان بزرگ آتن درباره حق بر داشتن سلاح از مبانی متفاوتی برخوردار است. این تفاوت به نوع نظام سیاسی باز می‌گردد که هر یک برای اداره جامعه طراحی کرده‌اند. هر چند به نظر می‌رسد که شکل‌گیری هر یک از این نظام‌های سیاسی نیازمند به کارگیری راهبردهای ارائه شده از سوی آنان است، اما رفته‌رفته از تعداد نظام‌های استبدادی کاهش می‌یابد و مردم سالاری، نظام سیاسی غالب در جهان است. با این حال، بسیاری از نظام‌های مردم سالار از راهبرد افلاطون درباره حق بر داشتن سلاح پیروی کرده‌اند.

۵-۹. رویکردها و سیاست‌های موجود در اسناد**بین‌المللی در حوزه استفاده از سلاح گرم مجاز**

در نظام بین‌المللی حقوق بشر تلاش‌های متعددی در جهت ایجاد محدودیت و ساماندهی رفتارها، عملکردها، استفاده از ابزارها و تجهیزات محدودکننده نظیر سلاح گرم توسط پلیس صورت پذیرفته است. برای نمونه، در اسناد سازمان ملل از جمله اصول استفاده از زور و سلاح‌های گرم توسط پلیس، مصوب ۱۹۹۰، بر حفظ جان شهروندان تأکید شده و پلیس باید حتی‌الامکان از به کارگیری سلاح خود و تیراندازی خودداری نماید، مگر اینکه برای حفظ جان ضروری باشد (۲۵). به عبارت دیگر، در اسناد سازمان ملل، مأمورین فقط برای «حفظ جان» می‌توانند از سلاح خود استفاده نمایند و شامل مواردی مانند فرار متهم و عبور از مرز به منظور امرار معاش نمی‌شود. در این رابطه ماده ۹ اصول استفاده از زور و سلاح‌های گرم توسط پلیس مقرر می‌دارد «مأموران انتظامی به جزء هنگام دفاع از خود یا دیگران در قبال تهدید قریب‌الوقوع (حتمی) مرگ، یا صدمه جدی، نباید سلاح‌های گرم را علیه اشخاص، به کار گیرند. استفاده از این سلاح‌ها باید تنها در زمانی صورت پذیرد که به طور قطعی برای حفظ جان ضرورت دارد. چنانچه مأموران، مغایر با این شرایط عمل نمایند و بدون دلیل خود را در معرض خطر قرار دهند و خطر مرگ یا صدمه شدیدی متوجه سایر اشخاص نمایند، این اقدام به طور آشکارا نامناسب و بیهوده محسوب خواهد شد» (۲۶).

۵-۱۰. سیاست بین‌المللی و رویکرد تاریخی نظام**حقوقی ایران در زمینه استفاده از سلاح گرم مجاز**

در نظام حقوقی ایران هر چند با تصویب قانون بکارگیری سلاح و پیش‌بینی اصول حقوقی، سعی شده به تیراندازی پلیس جنبه قانونی و توجیهی بخشیده شود، اما این قوانین در عمل به دلیل وجود چالش‌ها و خلاءهای قانونی، سالیانه موجب مسئولیت کیفری و مدنی برای تعدادی از مأمورین ناجا می‌شود. در واقع، بسیاری از مواد موجود در قانون بکارگیری سلاح، تناسبی با جرایم ارتكابی و عمل

تیراندازی ندارد؛ در برخی موارد ممکن است مأمور با توجه به اوضاع و احوال و شرایط منطقه درگیری و عملیاتی، از سلاح سازمانی استفاده نماید، لکن این اقدام موجب مسئولیت کیفری و مدنی برای او شود. برای مثال، چنانچه مأمور در دریا به قایقی مظنون شود و آن قایق به اخطار توجه نکند و فرار نماید، مأمور تعقیب‌کننده بر اساس قانون بکارگیری سلاح می‌تواند با رعایت شرایط قانونی به سمت وی تیراندازی نماید. اما مشکل این است که شرایط بکارگیری سلاح در قانون یاد شده برای داخل شهر و مربوط به نیروهای کلانتری است و متناسب با شرایط وضعیت عملیات سایر پلیس‌ها از جمله مأمورین دریابانی تدوین نشده است، چرا که رعایت تیراندازی کمر به پایین برای مهار قایق با توجه به موج دریا، بسیار سخت است و امواج دریا این اجازه را به مأمور نمی‌دهد که تیراندازی صحیح انجام دهد. از طرفی عدم تیراندازی مأمور و فرار متهم، برای مأمور مسئولیت انتظامی و قضایی در پی دارد. در نظام حقوقی برخی کشورها (مانند انگلستان، ولز و اسکاتلند) مقررات تیراندازی نسبت به نظام حقوقی ایران از تناسب بیشتری برخوردار است. در این کشورها با توجه به ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر «پلیس تنها وقتی می‌تواند به سمت متهم یا بزهکار تیراندازی نماید که زندگی مأمورین یا شهروندان در معرض خطر جدی باشد و در غیر این صورت اقدام به تیراندازی، توجیه منطقی و قانونی نخواهد داشت»، بنابراین، چنانچه شخصی به صورت غیرقانونی از مرز عبور کند یا وسیله نقلیه مظنون (مانند قایق)، علی‌رغم هشدار پلیس توقف نکند، در صورتی که خطر جانی برای کسی وجود نداشته باشد، پلیس نمی‌تواند تیراندازی نماید. چیزی که در قانون بکارگیری سلاح ایران شفاف‌سازی نگردیده است. لذا این برخورد دوگانه با وظایف، مسئولیت‌ها و اختیارات پلیس می‌تواند تضعیف اقتدار این نهاد و کاهش اعتماد مردم جامعه را در پی داشته باشد. این در حالی است که اغلب مأموران پلیس در جریان اقدامات روزانه خود سلاح گرم حمل می‌کنند و در قانون بکارگیری

سلاح در ۱۲ مورد با رعایت شرط ضرورت می‌توانند از اسلحه استفاده کنند (۲۷).

به نظر می‌رسد تجهیز پلیس به تجهیزات غیرکشنده و کمتر کشنده ضروری است. بررسی دقیق علمی و کاربردی قانون مذکور، حکایت از آن دارد که این قانون با تعجیل و شتابزدگی و بدون استفاده از نظرات کارشناسان تصویب شده و دارای ابهامات فراوانی است، به طوری که قانون را ناکارآمد کرده و تا به حال نتوانسته به طور کامل اهداف عدالت کیفری را فراهم نماید. در اکثر کشورهای دنیا حدود و اختیارات پلیس با توجه به اصل رعایت حقوق شهروندی تبیین می‌شود و استقرار نظم در جامعه با رعایت قانون و احترام متقابل افراد به حقوق یکدیگر حاصل می‌شود. البته در برخی مواقع برای به وجود آمدن این وضعیت نیاز است که نیروهای انتظامی با قانون شکنان و قانون ستیزان برخورد قانونی نمایند و در صورت نیاز در مقابل آنان دست به سلاح شوند (۲۸). همچنین استقرار امنیت در جامعه با دفاع از مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز دشمنان و مجرمان بدون در اختیار داشتن و به کاربردن سلاح‌های مدرن و پیشرفته میسر نیست. بخصوص در مقابله با قاچاقچیان بین‌المللی و جرایم سازمان‌یافته و سارقان مسلح، مأمورین مرزبانی چاره‌ای جزء استفاده از سلاح ندارد. بنابراین تجویز حمل و بکارگیری سلاح توسط مأموران برای تأمین مصالح مذکور و همچنین ساماندهی و تعیین حدود و ثغور بهره‌گیری از این اختیارات، از باب اضطرار، مستلزم وضع قوانین و مقرراتی کارآمد، دقیق، پویا، صریح، روشن و هدفمند، قابل توجه است و بررسی آسیب‌شناختی و حقوقی رفتار مأموران مسلح در صحنه‌های منتهی به تیراندازی که در نهایت موجب جرح یا قتل به حق یا ناحق بعضی از شهروندان می‌شود، ضرورتی گریزناپذیر است؛ زیرا در این صحنه‌ها دو ارزش اساسی و مصلحت بزرگ همواره در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند (۲۸).

به موجب بند ۹ ماده ۳ برای جلوگیری و مقابله با اشخاصی که از مرزهای غیرمجاز قصد ورود و یا خروج از کشور را داشته و به اخطار مأموران مرزبانی توجه نمی‌نمایند، مأمورین

حق تیراندازی دارند. در علم حقوق قصد انجام فعل به معنی تمایل داشتن به انجام کاری است و این قصد ممکن است مدت‌ها قبل در فکر و اندیشه مرتکب وجود داشته باشد. برای خروج غیرقانونی از کشور ممکن است شخصی در تهران چنین قصدی را داشته باشد، آیا مأمورین مجاز هستند برای جلوگیری از خروج غیرقانونی وی در آینده که ممکن است اصلاً اتفاق نیفتد به وی تیراندازی نمایند؟

برابر تبصره ۲ ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح مأموران مذکور در صورتی می‌تواند به وسایل نقلیه تیراندازی نمایند که علاوه بر انجام امور تبصره ۱ این ماده (تعبیه وسایل هشداردهنده اعم از موانع، تابلو، چراغ گردان به اندازه لازم در ایستگاه‌های ایست و بازرسی)، با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه، ایست داده و راننده به اخطار ایست توجهی ننموده باشد. این ابهام وجود دارد که آیا مأموران برای مجاز بودن تیراندازی به سمت وسایل نقلیه (خودرو، شناور، قایق و...) قبل از تیراندازی حتماً باید ایستگاه ایست و بازرسی ایجاد نمایند و در غیر این صورت حق تیراندازی ندارند (۲۹).

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله که تحت عنوان؛ دسترسی به سلاح گرم مجاز از منظر جرم‌شناسی با تأکید بر واگذاری سلاح مجاز در استان ایلام پرداخته شد، از مباحثی که مرقوم گردید می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که هر حقی چنانچه بصورت کارشناسی شده در نظر گرفته نشود همان میزان که آثار مثبت به همراه دارد، می‌تواند چندین برابر آن پیامدهای منفی نیز به همراه داشته باشد در خصوص حق دسترسی به سلاح گرم به نظر محقق باید خیلی از فاکتورها برای دسترسی به سلاح گرم نه تنها در استان ایلام بلکه در دیگر استان‌ها، در مورد شخص متقاضی در نظر گرفته شود که اولین و مهم‌ترین فاکتور سلامت روانی دارنده سلاح است. متأسفانه در بیشتر موارد دیده می‌شود که شخص نزد پزشک اعصاب و روان دارای پرونده مراقبتی بوده و تحت مداوا است، اما همزمان مراجع ذی‌صلاح به نامبرده سلاح گرم مجاز اعطا نموده‌اند. دسترسی به سلاح گرم دارای

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

نویسنده دوم بعنوان نویسنده مسئول و بقیه مولفین، به عنوان همکار در تدوین مقاله ایفای نقش نموده‌اند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

پیامدهای مثبت و منفی می‌باشد و در صورت جرم‌انگاری حمل سلاح گرم مجاز پیامدهای زیان‌بار جرم‌انگاری آن به همراه دارد که از جمله آن می‌توان به: ۱- محرومیت از حق دسترسی به سلاح، ۲- افزایش جمعیت کیفری و تورم کیفری اشاره نمود اما در کنار پیامدهای منفی، پیامدهای مثبتی نیز وجود دارد که از جمله آن می‌توان به: ۱- کاهش آمار جرم و قتل، ۲- احساس امنیت در جامعه، ۳- احساس امنیت در جامعه اشاره نمود. اما همانگونه که گفته شد چنانچه واگذاری سلاح بصورت ضابطه‌مند و کارشناسی شده در اختیار افراد واجد صلاحیت توأم با آموزش‌های لازم گذاشته شود تبعات منفی آن به حداقل خواهد رسید.

بنابراین واگذاری سلاح گرم باید بر اساس ظرفیت‌های گوناگون از جمله ظرفیت محیط زیست - توجیه متقاضی در جهت نیاز اساسی به سلاح گرم، بررسی سلامت روانی افراد در دسترسی به سلاح صورت گیرد. مضافاً اینکه ارگان‌های متولی با نظارت همه‌جانبه هر ساله شرایط دارندگان سلاح را مورد بررسی قرار دهند و چنانچه علل توجیه داشتن سلاح منتفی باشد، سلاح با پرداخت بهای آن از اشخاص خریداری شود. در خصوص کسانی که هر نوع مشکل روحی و روانی و ضعف سیستم عصبی داشته باشند مطلقاً از حق دسترسی به سلاح محروم گردند. قضات شریف نیز می‌توانند در این راستا نقش مهمی ایفا نمایند به این صورت که هر کسی به هر نحوی از سلاح استفاده غیرمشروع و غیرقانونی نمود بعنوان مجازات تکمیلی سلاح شخص مرتکب بصورت موقت و یا دائم ضبط و ضمن ابطال پروانه حمل سلاح ایشان را به طور دائم از این حق محروم نمایند. در همین خصوص در جامعه بین‌المللی نیز تلاش‌های در خصوص محدود نمودن حق دسترسی به سلاح در نظر گرفته شده است رویکردها و سیاست‌های موجود در اسناد بین‌المللی در حوزه استفاده از سلاح گرم مجاز موید این امر می‌باشد به گونه‌ای که در نظام بین‌المللی حقوق بشر تلاش‌های متعددی در جهت محدودیت و ساماندهی رفتارها، عملکردها، استفاده از ابزارها و تجهیزات محدودکننده نظیر سلاح گرم صورت پذیرفته است.

References:

- Jafari Langroudi MJ. Legal Terminology. Tehran: Ganj-e-Danesh; 2015. (Persian).
- Dehkhoda AA. Dehkhoda Dictionary. Tehran University of Tehran Press; 1998. (Persian).
- Najafi Tavana A. Criminology. Tehran: Education and Assessment Publications; 2011. (Persian).
- Feyz Sani S. Criminal Weapons Booklet. Tehran: NAJA Identification Center Publications; 2008. (Persian).
- Anvari H. Farhang Koochak Sokhan. Tehran: Sokhan Publications; 2003. (Persian).
- Mohaghegh Hali N. Sharia al-Islam. Qom: Ismailian Publications; 2009. (Arabic).
- Elham G, Mir Khalili SM, Parhamfar AM. Theoretical and Practical Challenges of Determining the Duty of Smuggled Goods in Iranian Criminal Law. *Journal of Judicial Law Perspectives*. 2014;5(68):47-78. (Persian).
- Ashouri M, Ansari J. Factors of increasing the criminal population due to pre-trial detentions. *Legal Journal of Justice*. 2018;82(102):11-33. (Persian).
- Jabibzadeh MJ, Najafi Aberandabadi AH. Kiomars Police Station, Criminal Inflation, Factors and Consequences. *Modares Journal of Humanities*. 2011;5(4):59-78. (Persian).
- Roger S. Since when did the Iranians use firearms for the first time. *Journal of Historical Studies*. 1975;1(4):39-52.
- Hosseini Astarabadi H. History of Soltani: From Sheikh Safi to Shah Safi. Tehran: Ishraqi Publications; 2000. (Persian).
- Shahidi Y. Military Regulations: A Soldier's Exercise Book. *Journal of Historical Studies*. 1970;5(6):55-68. (Persian).
- Anglo S. Military Institutions On the Eve of the Norman Conquest, Warren, Hollister. Oxford University Press; 2017.
- Geraldine W. Right to Bear Arms. New York: Infobase Publishing; 2005.
- Bryan A. Black's Law Dictionary. 7th ed. Washington: WestGroup Pub; 1999.
- Hardy DT. Historical Bases of the Right To Keep and Bear Arms, Report of the Subcommittee on the Constitution of the Committee on the Judiciary, United States Senate, 97th Cong., 2d Sess., The Right to Keep and Bear Arms. 1982.
- Malcolm J. The Right of the People to Keep and Bear Arms: The Common Law Tradition. *Hastings Constitutional Law Quarterly*. 1983(10):285-314.
- Cornell H. Well-regulated militia: the founding fathers and the origins of gun control in America. Oxford University Press; 2006.
- Elham G, Abed R. The Formation of the Right to Have a Weapon and Its Impact on Criminal Law. *Journal of Criminal Law Research*. 2014;2(7):70-102. (Persian).
- Bailyn B. The Ideological Origins of the American Revolution. Harvard Belknap Press of Harvard University Press; 1999.
- Halbrook SP. What the framers intended: A linguistic analysis of the right to bear arms. *Law & Contemp Probs*. 1986;49:151-62.
- Swanson JA, Corbin C. Aristotle's Politics: A Reader's Guide. Athens: Cromwell Press; 2009.
- Rackham H. Athenian Constitution. Harvard University Press; 1981.
- Peck AL. Aristotle, Parts of animals: Movement of animals, Progression of animals. Harvard University Press; 1961.
- Thomas P. The laws of Plato. Chicago: University of Chicago Press; 1980.
- Ebrahimi S. Crime Prevention in Challenge with Human Rights Standards. Tehran: Faculty of Law, University of Tehran; 2008. (Persian).
- Afarsiabi A. Legal Authorities of the Police in the Use of Firearms (Comparative Study of Iranian and British Criminal Policy). *Quarterly Journal of Criminal Law Teachings*. 2015;3(9):199-224. (Persian).
- Ahmadi A. Violation of Privacy; The Challenge of Crime Prevention. *Quarterly Journal of Crime Prevention Studies*. 2008;3(6):77-110. (Persian).
- Najafi Tavana A, Hosseini SR. Approach to Legislative Criminal Policy in the Law on the Use of Weapons by Officers of the Armed Forces in Cases Approved in 1994. *Detective Quarterly*. 2014;8(26):133-47. (Persian).

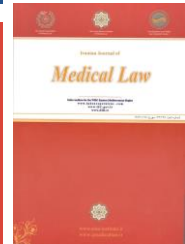


The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

Access to authorized firearms from a criminological perspective with emphasis on the transfer of authorized weapons in Ilam province

Mojtaba Abbasi¹, Majid Shayeganfard^{2*}, Hossein Taji³

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2. Doctor of Law, Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

3. Doctor of Law, Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 14 July 2021

Accepted: 20 November 2021

Published online: 3 March 2022

Keywords:

Firearm

Ilam

Authorized Weapon

Criminology

* Corresponding Author:

Majid Shayeganfard

Address: Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Postal Code: 91871-47578

Telephone: 51-36630781

Email: dr.majidshayganfard@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Access to firearms, if expertly and not observed in all aspects, as much as it has positive effects, may have many times the negative consequences. In this regard, the researcher believes that many factors to access Firearms should be considered not only in Ilam province but also in the case of the applicant in general. The goal that we pursue in this research is the control and expertise of the transfer of firearms by the competent institutions and, consequently, the reduction of murder and other places by firearms.

Materials and Methods: This descriptive-analytical article has been prepared by using the documentary method and using fishing tools.

Results: The findings indicate that; Access to firearms in Ilam province has positive and negative consequences, and in case of criminalization, carrying a firearm with a license has harmful consequences of criminalization, including: 1- Deprivation of the right of access to weapons 2 - Increased criminal population 3- Criminal inflation mentioned, but in addition to these negative consequences, there are also positive consequences, including: 1- Reduction of crime and murder statistics 2- Feeling of security in society. Therefore, if the transfer of weapons is provided to individuals in a disciplined and expert manner, its negative consequences will be eliminated.

Ethical considerations: This article has been prepared from the beginning to the end with adherence to the principles of honesty and trustworthiness.

Conclusion: Although positive and negative consequences have been considered for access to firearms and criminalization of authorized firearms, but despite its positive consequences, it is not worthwhile to distribute and buy and sell firearms without regulation, and grant a license. Carrying weapons to unqualified persons, facilitating the commission of crimes related to firearms, and facilitating the financial and human security of members of the community at risk. Therefore, if the issuance of weapons licenses is not in accordance with the rules and global factors, it will have dangerous consequences for the physical and mental health of the special community in Ilam province.

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Abbasi M, Shayeganfard M, Taji H. Access to authorized firearms from a criminological perspective with emphasis on the transfer of authorized weapons in Ilam province. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.